

درس هفتم - در گرو کار خویش

درباره ارزشمندی قدرت اختیار بارها توضیح داده شده است که انسان به کمک همین ویژگی می تواند مراحل کمال را یکی پس از دیگری بپیماید و به تعبیر سعدی:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت
طیران مرغ دیدی تو ز پابیند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت

انسان همان طور که با قدرت اختیار خود می تواند راه کمال را طی کند، با همین توانایی می تواند در مسیر شقاوت پیش رود و هلاکت خود را رقم بزند. عواملی همچون شیطان، شرایط فرهنگی و اجتماعی، دوستان، رسانه ها و هر عامل دیگر فقط در حدّ وسوسه و تحریک نقش دارند و این، خود انسان است که سرنوشت شقاوت بار خود را رقم می زند و آینده خود را تباه می سازد. پس انسان گنه کار در گرو عمل خویش است.

تدبر در قرآن

« فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا » (شمس ۸-۱۰)

(آنگاه تشخیص بدکاری و پرهیزکاری را به آن نفس انسان الهام کرد. که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد. و هر کس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.)

مفاهیم: بیانگر وجود اختیار در انسان و تعیین سرنوشت خویش / الهام به انسان در مورد کارهای خوب و بد / رستگاری انسان در گرو تزکیه نفس / محرومیت از الطاف الهی حاصل آلودگی نفس / بشارت به تزکیه و رستگاری / بشارت: عبارت (قد افلح) / انذار و هشدار به آلودگی و محرومیت / انذار: عبارت (قد خاب) / الهام به انسان بیانگر توحید در ربوبیت.

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انذار، آنها را مشخص کنید.

بشارت: عبارت (قد افلح). این عبارت به کسانی که وجود خود را پاک می کنند، بشارت به رستگاری می دهد.

انذار: عبارت (قد خاب). این عبارت به کسانی که نه تنها نفس خود را پاک نمی کنند بلکه آن را آلوده می کنند، به محروم شدن از رستگاری هشدار و انذار می دهد.

۲- این بشارت و انذار نشانه چه حقیقتی است؟

نشانه این حقیقت است که انسان اختیار دارد و سرنوشتش به دست خود اوست، زیرا وقتی بشارت و انذار انسان معنا دارد که وی اختیار آن را داشته باشد که بین مسیر درست و نادرست دست به انتخاب بزند. اگر انسان اختیار انتخاب مسیر را نداشته باشد، دیگر معنا ندارد که او را نسبت به انتخاب نادرست انذار و نسبت به انتخاب صحیح بشارت دهیم.

زمینه های گناه

هیچ انسانی به طور فطری به دنبال ظلم، خیانت، دروغ گویی، تجاوز به حقوق دیگران و سایر اموری که گناه و بدی نامیده می شوند، نیست؛ بلکه برعکس، انسان ها عدل، امانت داری، صداقت، عفت، پاکدامنی، حیا و اموری که عمل صالح و خلق نیکو محسوب می شوند را دوست دارند و می خواهند که دیگران هم نسبت به آنان راستگو و درست کردار باشند.

ممکن است بپرسید: پس چرا برخی از انسان ها به سوی گناه می روند و مرتکب گناه می شوند؟

در تبیین علت و چرایی حرکت انسان به سمت گناه می گوئیم:

خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش های گوناگونی در وجود انسان قرار داده تا به وسیله آنها حیات مادی و معنوی خود را سامان دهد و تکامل بخشد؛ امیال و غرایز برای حیات مادی و گرایش به خیر و نیکی برای حیات معنوی.

آنچه در این میان مهم است این است که انسان باید حد و مرز این امیال و غرایز را رعایت کند و آنها را کنترل نماید تا طغیان یک یا چند میل موجب نشود تا انسان گرایش های معنوی خود را به فراموشی سپرد و همه زندگی خود را صرف امیال مادی کند.

تمایلات مادی در انسان شبیه به جریان آب در طبیعت است. اگر آب، که مایه حیات انسان و گیاهان و حیوان هاست، هدایت و کنترل شود و در پشت سدها و در مزارع و رودخانه ها به طرز صحیحی استفاده گردد، موجب آبادانی می شود؛ اما اگر همین آب کنترل نشود و به صورت سیل و سیلاب جاری شود، تخریب و ویرانی به بار می آورد. بنابراین، اگر امیال مادی انسان کنترل نشود، این امیال سر به طغیان برداشته و انسان مرتکب گناه می شود.

به طور مثال، یکی از قوای وجودی ما **قوه غضب** است. خداوند این قوه را در انسان قرار داده تا در مواقع خطر از خود دفاع کند و با متجاوزان مقابله نماید. اما اگر کسی حد و مرز این میل را رعایت نکند و مردمان دیگر را زیر سلطه و قدرت خود قرار دهد و اموال آنان را به چنگ آورد، از این قوه سوء استفاده کرده و مرتکب گناه شده است. ظالمین و متجاوزان به حقوق مردم در جهان، کسانی هستند که از این قوه استفاده نادرست کرده اند.

قوه غضب

ظلم به دیگران

**دفاع از خود در
مواقع خطر**

مقابله با متجاوزان